

## متن کامل سخنان وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس روابط ایران و آمریکا

خانم مادلین البرایت وزیر امور خارجه آمریکا در بیست و هفتم اسفند ماه هفتاد و هشت طی سخنانی در کنفرانس روابط ایران و آمریکا در واشنگتن به بررسی روابط دو کشور پرداخت. متن کامل سخنرانی ایشان در زیر آورده می شود.

کنفرانس امروز در پی گردهمایی تعداد زیادی از سازمانهای مهم به منظور همکاری میان آنهاست تنها منحصر به شورای آمریکا- ایران نبوده و انجمن آسیا، خاورمیانه و مرکز آموزشهای دیپلماتیک دانشگاه جرج تاون را نیز در بر می گیرد. تخصص های بسیار گسترده ای در این محل وجود دارد که این خود شهادت به اهمیت ایران می دهد.

همانگونه که حضار به خوبی واقفند، ایران دارای یکی از قدیمی ترین تمدنها بوده و خود نیز یکی از غنی ترین و کاملترین تمدنهاست. سرزمین ایران از یک سو، نیمی از ساحل خلیج (فارس) و از سوی دیگر تنگه هرمز را شامل می شود که مقدار معتناهی از تجارت نفتی در آن صورت می گیرد.

بحر خزر، قفقاز و آسیای جنوبی و مرکزی بخشی از مرزهای ایران را تشکیل می دهد که در این مناطق مقدار زیادی مواد مخدر قاچاق تولید می شود و نیز چندین گروه عمده

تروریستی پایگاه دارند و بهره برداری از ذخائر عظیم نفت و گاز آن به تازگی آغاز شده است. ایران در حال حاضر ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را به عهده دارد و شکی نیست که سمت و سویی که ایران در آینده در پیش می گیرد نقش بسیار مهمی را در امور اقتصادی و امنیتی منطقه ای که بسیاری از جهانیان به درستی آن را قبله عالم می دانند بازی خواهد کرد. بنابراین من این فرصت را مغتنم می دانم تا درباره روابط بین ایالات متحده امریکا و ایران به گفتگو بپردازیم.

امیدوارم که این بحث را با در نظر گرفتن این که سال نو ایرانی و فصل بهار نزدیک است با تبریک سال نو به آمریکائیان ایرانی تبار و گفتن «عید شما مبارک» شروع کنم و نیز به مردم ایران نیز تبریک می گویم.

بهار فصل امید و نو شدن است، فصل کاشتن بذر برای محصولی جدید و من امیدوارم که هم در ایران و هم در ایالات متحده ما بتوانیم در این زمان (بذر) روابط تازه و بهتری را برای سالهای آینده بکاریم. این دقیقاً همان آینده ای است که می خواهیم امروز با شما درباره آن صحبت کنم. رئیس جمهور کلینتون به ویژه از من درخواست کرد تا به این جمع بیایم و با شما به این بحث بپردازم.

در طی این سالها، این تصویر مردم آمریکا از ایران به دلیل سرکوبی های دولت در داخل ایران و پشتیبانی آن از تروریسم در خارج و کمک های این دولت به گروه هایی که با خشونت مخالف روند صلح خاورمیانه هستند و نیز با تلاش دولت ایران برای به دست آوردن توانایی جنگ افزارهای هسته ای مستحکم تر شده است. پاسخ آمریکا در این مورد اعمال سیاست منزوی و مهار کردن بوده است. ما بر اساس بیانات رهبران ایرانی که آمریکا را به عنوان یک دشمن می شناختند عکس العمل نشان دادیم و مجبور شدیم با ایران به عنوان یک تهدید رفتار کنیم. با وجود این، پس از انتخاب رئیس جمهور خاتمی در سال ۱۳۷۶، ما شروع به تغییر دیدگاه خود نسبت به ایران کردیم. هر چند سیاست های خارجی ایران که ما آنها را ناشایسته می دانیم، تقریباً ثابت باقی مانده ولی پویایی سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران

به طور آشکاری در حال دگرگون شدن است.

در پاسخ به دعوت رئیس جمهوری ایران به منظور گفت و گو میان مردم دو کشور، رئیس جمهور کلینتون و من از دعوت استقبال کردیم. ما تماسهای دانشگاهی، فرهنگی و ورزشی را ترغیب کردیم و توصیه های هشداردهنده را برای آمریکائی هایی خواهان سفر به ایران نیز تغییر دادیم. ما تمایل خود را برای آغاز گفتگوهای رسمی بر مبنای اصول مورد نظر طرفین با ایران و درباره موضوعاتی که موجب نگرانی های اصلی هر دو طرف است، به صراحت بیان کرده ایم.

در حال حاضر ما به این نتیجه رسیده ایم که اکنون زمان مناسبی برای گسترده تر ساختن چشم اندازهاست. زیرا روندی هایی که در داخل ایران مشهود بوده به وضوح تقویت می شوند.

جوانان در راس حرکتی قرار دارند که هدف آن جامعه ای بازتر و انعطاف پذیرتر در برابر جهان است. زنان ایران خود را در بین فعالترین و با قدرت ترین زنان در امور سیاسی در منطقه قرار داده اند. نوآوران اقتصادی مشتاق هستند که مناسبات موفق با ماوراء دریاها برقرار کنند.

روحانیون محترم به طور فزاینده ای درباره مطابقت حرمت و آزادی و تجدد و اسلام و اسلام سخن می گویند. جای تعجب نیست که این تحولات با مخالفت سرسختانه برخی محافظ روبرو شده و این روندی که آنها شروع کرده اند هنوز به اتمام نرسیده است.

مجازاتهایی خشن هنوز در موارد مختلف مربوط به اختلاف عقیده اعمال می شود. آزار و اذیت بهائیان به خاطر دین و مذهب و نیز به برخی ایرانیان که به مسیحیت گرویده اند ادامه دارد. دولتها در سراسر جهان منجمله دولت ما، نگرانی خود را در رابطه با لزوم اجرای عدالت قضایی در مورد ۱۳ ایرانی کلیمی که بیش از یکسال است در زندان به سر می برند بدون آنکه جرم آنها به طور رسمی مشخص شده باشد اعلام کرده اند البته قرار است ماه آینده محاکمه آنها شروع شود.

ما رویه و نتایج این محاکمه را به عنوان یکی از میزان سنجی‌ها برای روابط آمریکا و ایران تلقی خواهیم کرد.

علاوه بر این، در پاییز ۱۳۷۷، چندین نویسنده و ناشر برجسته ظاهراً توسط افراد خودسر در نیروهای امنیتی ایران، به قتل رسیدند و همین هفته گذشته یک روزنامه‌نگار برجسته که مشاور آقای خاتمی است در جریان یک ترور به شدت مجروح شد.

جریان‌ات متعددی در ایران، همانند هر جامعه متنوع، در حال حرکت هستند، بعضی از این جریان‌ات کشور را رو به جلو می‌برند و بقیه از این حرکت جلوگیری می‌کنند. علی‌رغم روند دمکراسی، نظارت بر ارتش، قوه قضاییه، دادگاه‌ها و پلیس در دست افراد غیرمنتخب باقی مانده و در اصول سیاست خارجی که در مورد آن بیشترین نگرانی را داریم بهبودی حاصل نشده است، با این وجود حرکت در جهت اصلاحات داخلی، آزادی و فضای باز در حال تقویت است. ایرانیان به طور فزاینده‌ای به تایید این ارزیابی رئیس‌جمهور خاتمی در ۱۵ ماه پیش تمایل پیدا کرده‌اند که: «آزادی و تنوع افکار، امنیت جامعه را تهدید نمی‌کند بلکه محدود نمودن باعث این تهدید شده و انتقاد از دولت و سازمان‌های حکومتی در هر سطحی نه تنها برای نظام زیان‌آور نیست بلکه واجب است.»

بادهای دمکراتیک در ایران آنچنان با طراوت و بسیاری از افکار بیان شده توسط رهبران‌شان چنان دلگرم‌کننده است. بنابراین، این خطر برای ما وجود دارد که موضوع را بیشتر از آنچه که هست، برآورد کنیم. در واقع بسیار زود است که به طور دقیق دریابیم این روند دمکراتیک به کجا خواهد انجامید. مطمئناً، انگیزه اولیه برای تغییر، ایدئولوژی نیست بلکه عمل‌گرایی (پراگماتیسم) است. ایرانیان زندگی بهتری می‌خواهند. آنها خواستار آزادی‌های اجتماعی و وسیع‌تر، جوابگویی بیشتر توسط دولت و کامیابی افزون‌تر هستند. علی‌رغم افزایش دوباره قیمت نفت، اقتصاد ایران همچنان درگیرودار عدم کارایی، فساد و نظارت بیش از حد دولتی دست و پا می‌زند.

با توجه به عوامل جمعیتی (دموگرافیک) نرخ بیکاری بالاتر و درآمد سرانه پایین‌تر از

بیست سال پیش است. نهایت این که ایران در حال حاضر با شرایط خود پیش می‌رود و این روند را ادامه خواهد داد. اگر دموکراسی ایران بیشتر شکوفا شود، بدون شک ویژگی‌های خود را که منطبق با سنن و فرهنگ این کشور است خواهد داشت و مانند هر تحول تکاملی مهم اجتماعی و سیاسی این روند با سرعت خود و براساس جدول زمانبندی که ایرانیان برای خود تنظیم کرده‌اند، به پیش خواهد رفت.

پرسشی که ما با آن مواجه هستیم این است که چگونه به تمامی این موارد پاسخ دهیم. در سطح ارتباط مردم با مردم، پیدا کردن پاسخ کار دشواری نیست. آمریکایی‌ها باید از این موضوع استقبال کنند. چیزهای زیادی است که ما از ایرانیان باید بیاموزیم و ایرانیان از ما. ما باید تلاش کنیم تبادلات خود را گسترش و وسعت دهیم. ما باید دانشگاهیان و رهبران جامعه مدنی ایران را در موضوعات مربوط به منافع مشترک درگیر کنیم. و البته باید با انرژی بیشتری تلاش کنیم که مهارت‌های فوتبال خود را هم گسترش دهیم.

این که پاسخ رسمی به ایران چه باشد خود یک چالش است و احتیاج به بحث دارد. بحث نه تنها درباره درک و آگاهی ما و امیدهای آینده بلکه همچنین درباره گذشته پرآشوب. در بهترین حالت، روابط ما با ایران، همراه با پیوندهای دوستی‌های شخصی مشخص بودند. در طی سالها، هزاران معلم، پزشک، پزشکیار، داوطلبان سپاه صلح و دیگر آمریکاییان حسن نیت خود را برای بهتر کردن زندگی و رفاه مردم ایران به کار گرفتند. همانگونه که این مکان نشان می‌دهد، ایرانی‌ها نیز ایالت متحده را غنی‌تر کرده‌اند و تقریباً یک میلیون آمریکایی ایرانی‌تبار کشور ما را به عنوان خانه خود برگزیده‌اند. تعداد زیادی از ایرانیان در این کشور تحصیل کرده و به کشور خود بازگشته‌اند و از آگاهی خود در سرزمین بومی‌شان استفاده می‌کنند.

در واقع بعضی از آنها، در زمانی که من در مرکز آموزش‌های دیپلماتیک دانشگاه برج‌تاون تدریس می‌کردم جزو بهترین دانشجویان من بودند. بنابراین جای تعجب نیست که وجوه مشترک فراوانی میان مردم ما وجود دارد. هر دو ملت، آرمانگرا، سربلند،

پای بند به خانواده، آگاه به معنویات و مخالف سرسخت سلطه خارجی هستند. ولی بعضی مواقع این وجوه مشترک به خاطر عوامل دیگری متزلزل شده اند. در سال ۱۳۳۲، ایالات متحده آمریکا نقش مهمی در برنامه ریزی برای سرنگونی رژیم مردمی نخست وزیر محمد مصدق بازی کرد.

دولت آیزنهاور بر این باور بود که این عمل، به خاطر دلایل استراتژیک توجیه شدنی است و لی این کودتا به طور وضوح مانعی برای تحولات سیاسی ایران بود، بنابراین به سادگی می توان درک کرد که چرا ایرانیان به خشم و رنجیدگی خود از این مداخله آمریکا در امور داخلی خود ادامه می دهند. علاوه بر این در طول ۲۵ سال آخر قرن گذشته، آمریکا و غرب به طور رژیم شاه پشتیبانی کردند، علی رغم آنکه دولت شاه در توسعه اقتصادی کشور کوشش بسیاری کرد و لی در عین حال مخالفت سیاسی را وحشیانه سرکوب کرد.

همانگونه که رئیس جمهور کلینتون گفته است آمریکا باید سهم عادلانه ای از مسوولیت مشکلاتی را که در روابط ایران و آمریکا به وجود آمده است برعهده بگیرد. حتی به نظر می رسد در سالهای اخیر، جنبه هایی از سیاست آمریکا در قبال عراق در جریان جنگ عراق و ایران، به طور تأسف باری به ویژه با در نظر گرفتن تجربیات بعدی ما با صدام حسین کوتاه بینانه بوده است. با این حال ما هم فهرست گلایه ها و نارضایتی های خود را داریم و آنها جدی هستند.

اشغال سفارت، نقض رسوایی آور مسوولیت های بین المللی ایران ضربه روحی بر گروگان ها و خانواده آنان بود و آمریکاییان بی گناه و دوستان آمریکا توسط گروه های تروریستی به قتل رسیدند که همگی آنها توسط دولت ایران حمایت می شوند.

در حقیقت، کنگره اکنون مشغول بررسی وضع قانونی است تا اختیار توقیف سرمایه های دیپلماتیک و سایر سرمایه های ایرانی را داشته باشد تا بدین طریق اقدامات تروریستی علیه شهروندان آمریکایی جبران شود.

ما در حال حاضر مشغول همکاری با کنگره هستیم تا راههایی را به منظور بررسی تقاضاهای عادلانه خود بیابیم بدون آن که پیش شرطهایی قابل شویم که منافع حیاتی آمریکا را

در زمینه اموال دیپلماتیک و سایر دارایی‌ها به مخاطره اندازد و یا دورنمای یک گفتمان موفق با ایران را با خطر روبرو کند.

در واقع، ما معتقدیم که بهتری امید به منظور اجتناب از چنین تراژدی‌هایی در آینده، تشویق تحول و تغییر در سیاست‌های ایران و کار کردن با شیوه‌ای متعادل و دوطرفه برای کاهش و کمتر کردن اختلاف‌ها میان دو کشور است، نه ایران و نه ما، قادر به فراموش کردن گذشته نیستیم، گذشته‌ای که به هر دو کشور صدمه زده است. اما سئوالی که اکنون هر دو کشور با آن مواجه هستند، این است که آیا باید اجازه داد که تا گذشته موجب منجمد شدن آینده شود؟ یا آنکه باید راهی پیدا کرد تا بذر رابطه جدیدی کاشته شود که هر دو طرف قادر به برداشت سود مشترک در سال‌های آینده باشند و دیگر تراژدی بیشتری را شاهد نباشیم. مطمئناً، به نظر ما مانعی وجود ندارد که یک رهبری با درایت و عاقل نتواند آن را از سر راه بردارد. همانگونه که برخی از ایرانیان اشاره کرده‌اند، آمریکا با کشورهای بسیاری رابطه صمیمانه دارد که در مقایسه با ایران کمتر دمکراتیک هستند.

ما هیچ قصد و یا علاقه‌ای برای دخالت در امور داخلی کشور (ایران) نداریم و تصدیق می‌کنیم که اسلام مرکز و هسته اصلی میراث فرهنگی ایران است و هیچ اختلاف ذاتی میان اسلام و آمریکا متصور نیستیم.

علاوه بر این ما موارد روزافزونی از منافع مشترک داریم، مثلاً هر دو ما به ثبات و صلح در خلیج فارس علاقه مندیم. ایران در منطقه و همسایگی خطرناکی زندگی می‌کند. ما از اقداماتی استقبال می‌کنیم که هدف آن کاهش خطرات است و گفت و گوهای منطقه را به منظور کاهش تنش و اعتمادسازی مورد تشویق قرار می‌دهیم.

هر دو کشور با منازعات و چالش‌هایی که توسط رژیم بی‌قانون عراق شروع شده مبارزه کرده‌اند، و هر دو به جلوگیری از تجاوزات دیگر عراق علاقه مندند. ما نیز همانند ایران نگران بی‌ثباتی و صدور قاچاقی مواد مخدر از افغانستان هستیم و ایران هزینه سنگینی بابت درگیری‌های آن منطقه می‌پردازد.

مدت طولانی است که ایران میزبان دومیلیون پناهنده از جنگ داخلی افغانستان است و هزاران ایرانی در طی جنگ علیه قاچاقچیان مواد مخدر به قتل رسیده‌اند. اکنون از لحاظ مقدار مواد مخدر غیرقانونی که هر سال ضبط می‌شود ایران مقام اول را در دنیا داراست. این یکی از مواردی است که در زمینه همکاری روزافزون بین ایران و آمریکا برای هر دو کشور دارای مفهوم روشنی می‌باشد. ولی موارد بی‌شمار دیگری هم مورد علاقه مندی مشترک احتمالی دو کشور می‌باشند. مانند ترویج روابط پایدار بین ارمنستان و آذربایجان، توسعه اقتصادی منطقه ای، حفظ آثار تاریخی فرهنگی و حفظ محیط زیست. بنابراین امکان یک رابطه عادی تر که برای طرفین سودمند باشد وجود دارد. ولی این امر اتفاق نخواهد افتاد مگر این که ایران همچنان نظر خود را نسبت به آمریکا متحول سازد، همانطوری که مادیدگاه خود را نسبت به ایران بسط می‌دهیم. ما با تروریسم و گسترش سلاحهای هسته‌ای که نه صرفاً آمریکایی بلکه جهانی می‌باشند مخالفت می‌کنیم. هدف آن حمایت از مردم قانونمند در تمامی کشورها می‌باشد و منعکس کننده تعهداتی است که اکثر ملل از جمله ایران، (آن را) داوطلبانه پذیرفته‌اند.

موقعی که ما از پیشرفت صلح خاورمیانه حمایت می‌کنیم به منافع دهها میلیون انسان اعم از عرب و اسرائیلی با پیشینه‌ها و مذاهب گوناگون خدمت می‌نماییم و آرزوهای آنها را برمی‌آوریم. مواقعی که از حقوق بشر سخن می‌گوییم نمی‌کوشیم ارزش‌های خود را به دیگران تحمیل کنیم بلکه اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را تایید می‌کنیم که به موجب آن مردم در هر نقطه دنیا حق دارند از آزادی اساسی مذهب، بیان و حمایت قانون بطور مساوی بهره‌مند شوند.

زمانی که درباره اهمیت و ارزش یک گفتگوی رسمی با ایران صحبت می‌کنیم دستور کار مخفیانه‌ای نداریم و شرطی نیز قائل نمی‌شویم. انگیزه ما علاقه واقع بینانه به انتقال رابطه به سطحی بالاتر می‌باشد تا از دیپلماسی برای حل مسائل استفاده کنیم و به مردم هر دو کشور سود برسانیم.



در ماههای اخیر رهبران ایران درباره «سیاست تنش زدایی» ملت خود سخن گفته اند و خرازی وزیر امور خارجه چند قبل اظهار داشت: ایران آماده است که به عنوان لنگر ثبات جهت حل مسایل و بحران های منطقه ای عمل نماید. ایالات متحده به اهمیت ایران در منطقه خلیج (فارس) واقف است و ما در گذشته تلاش کرده ایم که روابط مشکل خود را با بسیاری از کشورها حل کنیم.

صرف نظر از این که روش بکار رفته تنش زدایی یا موافقت اصولی، یا گفتگوی سازنده با چیز دیگری نامیده شود.

ما اکنون چنین سیاستی را پیش گرفته ایم و می خواهیم با ایران همکاری کنیم تا آنچه را که خاتمی دیوار بی اعتمادی می نامد پایین آوریم. برای آنکه چنین امری اتفاق افتد باید تمایل نشان دهیم که مستقیماً با یکدیگر مانند دو ملت مستقل و سرافراز معامله کنیم و بر یک اساس متقابل به موضوعاتی که ما را از یکدیگر دور نگه داشته است بپردازیم. من به عنوان گامی به سوی انهدام دیوار بی اعتمادی می خواهم درباره موضوع تحریم اقتصادی صحبت کنم. ایالات متحده از آن جهت تحریم را علیه ایران تحمیل کرد که از اشاعه سلاحهای هسته ای نگران بوده و همچنین این که مقامات حاکم در تهران هزینه های گروههای تروریستی را تامین می نمودند و از جمله از آنهایی که به نحو خشونت باری با روند صلح خاورمیانه مخالفت می کنند حمایت بعمل می آورند.

تاکنون تحولات سیاسی ایران موجب نشده که نظامیان این کشور از کوشش مصمانه خود جهت دستیابی به فن آوری مواد و کمک لازم برای توسعه سلاحهای هسته ای دست بردارند. همچنین این تحولات موجب نگریده، که سپاه پاسداران یا وزارت اطلاعات و امنیت آن خود را از تروریسم کنار بکشند... تا زمانی که این سیاست تغییر نمایند روابط کاملاً عادی بین دولت های ما امکان پذیر نخواهد بود و تحریم های اصلی به قوت خود باقی خواهد ماند. ولی منظور تحریم های ما سرعت بخشیدن به تغییرات است و فی نفسه هدف ما نبوده و نمی خواهد غیر نظامیان بی گناه را هدف قرار دهد.

به این دلیل در سال گذشته فروش لوازم یدکی لازم برای ایمنی هواپیماهای مسافری غیر نظامی را که قبلاً به ایران فروخته شده بود را تصویب کردم یعنی هواپیماهایی که غالباً توسط آمریکاییان ایرانی تبار بکار برده می شود. همچنین رییس جمهور کلینتون محدودیتهای مربوط به صادرات مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی به کشورهای مورد تحریم مانند ایران را تخفیف داد. این حرف بدان معناست که ایران می تواند محصولاتی مانند غله و گندم از آمریکا خریداری کند. امروز می خواهیم اقدامی را که به آمریکاییان امکان را می دهد تا قالی و محصولات غذایی مانند خشکبار و خاویار از ایران وارد کنند اعلام کنم. این اقدام یک پیشرفت منطقی تعدیلهایی است که سال گذشته بعمل آوریم. همچنین هدف این است که به میلیونها صنعتگر، کشاورز و ماهیگیر ایرانی که در این صنایع کار می کنند و همه ملت ایران، نشان دهیم که آمریکا علیه آنان سوء نیت ندارد.

ثانیاً ایالات متحده راههایی را مورد بررسی قرار خواهد داد تا موانع غیر لازم بر سر راه افزایش تماس دانشمندان، اشخاص حرفه ای، هنرمندان، ورزشکاران و سازمانهای غیر دولتی را بر طرف سازد. ما معتقدیم که این امر موجب تعمیق پیوندهای تفاهم و اعتماد متقابل خواهد شد.

ثالثاً ایالات متحده آماده است تا تلاشهای خود با ایران را نهایتاً به منظور حل و فصل کلی دعاوی حقوقی بین دو کشور افزایش دهد. این امر صرفاً آزاد کردن دارایی نیست. بعد از سقوط شاه، ایالات متحده و ایران در مورد روند جهت حل و فصل ادعاهای موجود از طریق یک دیوان داوری در لاهه موافقت کردند. در سال ۱۳۶۰ قسمت اعظم دارایی های ایران که در زمان بحران گروگانگیری ضبط شده بود به ایران عودت داده شد. از آن زمان تاکنون تقریباً کلیه دعاوی خصوصی از طریق روند داوری لاهه حل و فصل شده اند. هدف ما این است که تعداد نسبتاً محدود ولی مهم دعاوی را که هنوز میان دو دولت وجود دارد در لاهه حل و فصل کنیم و با انجام این مهم این مسئله را یکبار و برای همیشه پشت سر بگذاریم.

نکاتی را که امروز مطرح و اقدامات ملموسی را که اعلام نمودیم، منعکس کننده تمایل

ما برای پیشبرد مصالح مشترکمان از طریق بهبود روابط با ایران می‌باشد. اقدامات فوق در پاسخ به نظر وسیعتری است که روند دمکراتیک در کشور مزبور آنرا امکان‌پذیر ساخته و امید ما مبتنی بر این است که تغییرات داخلی تدریجاً تاثیر خارجی از خود باقی گذارد و نیز این که همانگونه که ایرانیان آزادتر می‌شوند، آزادی خود را از طریق اقداماتی در حمایت از حقوق بین‌المللی و ثبات و صلح ابراز دارند.

ولی باید تاکید کنم که ما با اتخاذ یک نظریه وسیعتر و مثبت‌تر نسبت به جریان‌های ایران، موضوعاتی را که مدتی است موجب نگرانی ما شده است، نادیده نگرفته ایم. ما از این امر استقبال می‌کنیم که ایران واقعاً به وعده خود وفا کند مبنی بر این که به عنوان لنگر ثبات عمل نماید و تعهداتی را که رهبران آن در مواردی از قبیل عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای و مخالفت با تروریسم قبول کرده‌اند در کلام و در عمل انجام دهند. ما تصور نمی‌کنیم که ایالات متحده و ایران بتوانند بر سر مسائلی که آنها را ده‌ها سال از یکدیگر دور نگهداشته است، یک شبه فائق آیند.

ما نمی‌توانیم صرفاً بر اساس قالی، فرش و غلات یک رابطه معقول برقرار سازیم ولی جهت‌گیری روابط ما مهمتر از سرعت آن است.

ایالات متحده مایل است صبورانه و بر اساس سیاست گام‌به‌گام جلو رود یا خیلی سریع عمل کند، چنانچه ایران تمایل و تعهد برای انجام آن نشان دهد روز سه‌شنبه آینده آغاز سال در ایران و شروع بهار برای همگی ما خواهد بود.

اگر برای همه چیزهای زیر آسمان، فصلی وجود دارد و این یک حقیقت است، پس یقیناً زمان آن فرا رسیده که آمریکا و ایران وارد فصل جدیدی شوند که در آن اعتماد متقابل افزایش یابد و یک حالت گرمی‌جانشین زمستان سرد و طولانی نارضایتی متقابل گردد. زیرا باید تصدیق کنیم که دیگر میان شرق و غرب و یا شمال و جنوب و یا بین یک تمدن و تمدن دیگر اختلافات بزرگی در سرتاسر دنیا وجود ندارد.

امروز اختلاف بزرگ در هر نقطه جهان میان مردمانی است که هنوز درگیر نظریات و

تعصبات گذشته هستند و آنهایی که خود را آزاد ساخته اند تا از وعده های آینده استقبال نمایند.

امروز صبح من از طرف دولت آمریکا از ایران می خواهم که در نگارش فصل جدیدی در تاریخ مشترک دو کشور مان به ما ملحق شود. بگذارید درباره اختلاف خود صریح باشیم و بکوشیم آنها را برطرف سازیم.

بگذارید منافع مشترک خود را تایید و تصدیق نموده و بکوشیم آنها را به پیش ببریم. بگذارید جسورانه درباره امکانات آینده بیاندیشیم و بکوشیم به آنها دست یابیم، و بدین وسیله این سال و فصل تازه امید را به یک واقعیت زندگی امن تر و بهتر برای هر دو دولت تبدیل نماییم. به منظور نیل به این رسالت، من امروز صبح تعهد می کنم که بهترین مساعی خود را به کار ببرم و محترمانه مشورت، تفاهم و حمایت همگان را خواستارم. متشکرم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی